

آینه



دولت و انقلابیون پیش قدم شوند

● **عبدالله گنجی:** «پرداختن به یکدیگر را بگذارند برای یک وقت دیگر، امروز که دشمن در مقابل کشور ایستاده است، همه با هم دست‌به‌دست هم بدهند، متحد باشند، در یک جهت کار کنند برای استقلال و عظمت کشور». این بخشی از خطبه مقام معظم رهبری در نماز عید فطر است... «گذشت‌کردن» الزاما به معنی «فراموش‌کردن» نیست، اما می‌شود ناراحتی‌ها را در تعاملات بروز نداد و برگی بر مشکلات پیشین نیفزود. به‌گمان نگارنده دودسته بیشتر از همه باید این مهم را رعایت کنند. اول دولتی‌ها و خصوصا شخص رئیس‌جمهور و دوم حزب‌اللهی‌ها و کسانی که به فرامین رهبری نگاه شرعی دارند... . شاید بیشترین نقدها به دولت و شخص روحانی قبل از اینکه به عملکرد ایشان مرتبط شود به کلام و بیانشان مربوط می‌شود. بی‌محایا سخن‌گفتن، متعارض حرف‌زدن و آدرس اشتباه‌دادن همیشه مورد نقد و تنش با منتقدان دولت بوده است. شرط دوم آن است که دولتیان «چشم‌انداز سیاسی» آینده خود را فدای وضع نامبارک امروز اقتصادی کشور کنند. اگر این مهم را بپذیرند، از پرداخت هزینه نگران نمی‌شوند و روحیه از خودگذشتگی را در خود ایجاد خواهند کرد. ممکن است منتقدان دولت بسیاری از مشکلات کشور را ببینند اما از منشأ آن اطلاع درستی نداشته باشند، اما براساس تحلیل یا پیش‌داوری، منشا همه مشکلات را ناکارآمدی و انفعال و حتی بعضا خیانت دولت بدانند که چه خوب است دولت با نخبگان منتقد جلسه بگذارد و تبادل اطلاعات کند. دسته دوم انقلابیون هستند؛ انقلابیون باید بدانند که منشا همه مشکلات کشور دولت نیست، اگرچه در پیش‌بینی‌ها و پیشگیری‌ها دولت نتوانسته است اقتدار خود را ثابت کند اما ما در جنگی همه‌جانبه و پیچیده قرار داریم. بنابراین درک جامع از صحنه مبارزه و قدرالسهم دولت در آن ضروری است. نمی‌شود روحانی در جمع اصحاب رسانه بخش عمده مشکل را عملیات روانی دشمن بداند و به او بتنازم با ۴۸ ساعت بعد همان سخن را از رهبری در نماز عید فطر بشنویم و اصلاح نکنیم. حزب‌الله باید بداند توده مردم مرز بین دولت و نظام را تمیز نمی‌دهند و لزومی هم ندارد که این کار را بکنند.

نیاز به انتظار

چرانوردر ایران ماند؟

● با اعلام کارلوس گوسن، مدیرعامل رنو، این خودروساز فرانسوی با وجود خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های مربوط به صنعت خودرو، در ایران می‌ماند. نکته کلیدی در اظهارات گوسن، امیدواری او به آینده رنو در بازار خودروی ایران است؛ چه آنکه تاکید کرده ماندن در شرایط تحریم می‌تواند در سال‌های بعد به یک مزیت برای این خودروساز تبدیل شود. درواقع رنو امیدوار است به‌سبب خروج سایر خودروسازان خارجی از ایران به‌دلیل نقض برجام، خود را به‌عنوان بازیگر نقش اول یکی از بزرگ‌ترین بازارهای خودروی خاورمیانه مطرح کند.

کیم‌تان

جنگ جدید، فرصت طلایی مردم‌یمن در دفاع از تجاوز

● جنگی که از روز دوشنبه هفته پیش با هدف و تصرف بندر الحدیده یمن آغاز شد، از نظر انصارالله یک «فرصت جنگی» تلقی شده و در نقطه مقابل، ائتلاف مشترک آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی، سعودی و اماراتی آن را «پیروزی طلایی» خوانده است. ممکن است هر دو اتفاق بیفتد؛ یعنی ائتلاف پنج‌ضلعی یادشده با بهره‌گیری از بمباران شدید و کمک بمبارکن‌هایی که یمنی‌ها آن را ندارد، در سواحل مسطح استان الحدیده به یک پیروزی فوری و کم‌هزینه دست پیدا کنند و بالاخره پس از حدود ۲/۵ سال تلاش در جبهه‌های مختلف یمن به «یک دستاورد» برسند، اما از آن طرف همان‌گونه که تجربه جنگ‌های پیشین در مارب، تعز، نهم و صنعا می‌گویند، جنگ الحدیده یک «تله ویرانگر» برای نیروهای ائتلاف است کم‌اینکه حدود شش هفته اخیر که جنگ برای تصرف الحدیده آغاز شده، ائتلاف بیش از ۷۰۰ کشته داده است.

قانون

نامه‌ای برای فردا

● **در گفت‌وگو با عبدالله ناصری:** این نامه‌ای را که تعدادی از جوانان نوشتند کاملا دغدغه‌هایشان را درک می‌کنم و این نمی‌نم. شاید یکی از دلایل نوشتن این نامه انتقاداتی باشد که برخی جوانان به نحوه بستن لیست شورای شهر و عدم ورود برخی از این جوانان حزبی به این لیست داشتند. در روزهای آخر شرایطی پیش آمد که برخی امتیازات بالاتری داشتد، بنا به دلایلی که از نظر هیئت‌رئیس شورای‌عالی موجه بود از لیست نهایی حذف و جای خود را به کسانی که امتیازات کمتری داشتند، دادند. این مسئله بسیار مهم و پرسروصدایی شد و این جوانان به‌طورطبیعی دغدغه‌شان این است که در ترکیب جدید این شورا، بنا شده اصلاح‌طلبی با رویکرد جدید که مورد تاکید رهبر جریان اصلاحات است، حضور جوانان پرنشاط باشد و افراد جوان‌تر جای نسل اول را بگیرند. به نظر من نیز با توجه به تاکید آقای خاتمی مطلوب این است که تکیه از نسل اول برداشته شود و جوانان نیز در عرصه تصمیم‌گیری حضوری پررنگ داشته باشند.

politics@sharghdaily.ir

✎ **از انتخاب اسامی فهرست ۲۰ نفره وکلای**

مورد تایید رئیس دستگاه قضا اطلاع دارید؟
از فرایند انتخاب اطلاع نداشتیم، اما عنایت دارید که قانون آیین دادرسی کیفری در سال ۹۲ تصویب شد و طبق تبصره ذیل ماده ۴۸ این قانون، در بعضی از جرائم مهمه، اجازه مداخله وکیل تا یک هفته بعد از شروع تحقیقات به متهمان داده نشده بود، ولی این تبصره به‌علت مغایرت با اصل ۳۵ قانون اساسی با مخالفت شورای نگهبان به مجلس مرجوع شد و بعد در سال ۹۴ تبصره به شکل و مفاد کنونی اصلاح و تصویب شده است. در این اصلاحیه مقرر شد در جرائم خاص مانند جرم امنیت داخلی و خارجی، جرائم جنایی درجه یک مستوجب سلب حیات و... در تحقیقات مقدماتی وکلایی از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تایید رئیس محترم قوه قضائیه هستند و از سوی ایشان معرفی می‌شوند، وکالت متهمان را بر عهده بگیرند.

✎ **و همچنین جرائم سیاسی و مطبوعاتی.**

بله. با توجه به تأخیری که وجود داشت حتما در این مدت در حال بررسی بوده‌اند. البته انتشار اسامی به این شکل، اگر از کانال‌های دستگاه قضائی بوده به‌نظم، کج‌سلیقگی و توجه‌نکردن به شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی کشور است که بدخواهان و دشمنان مترصد هر بهانه‌ای برای حمله به ارکان نظام هستند، لازم نبود این‌طور اسامی را منتشر کنند. ایراد خود بنده هم این بود که محصورکردن وکلای مورد تایید به تعداد ۲۰ نفر معقول نیست؛ همان‌طور‌که سخنگوی محترم دستگاه قضا هم اشاره کردند که به این فهرست افزوده خواهد شد. به‌تازگی هم ریاست محترم قوه قضائیه به افزایش تعداد وکلای مورد تایید به ۸۲۰ نفر و اصلاح مفاد تبصره اشاره کردند. البته واقعا حمله‌ای که در داخل و خارج و به‌ویژه از سوی رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی صورت گرفت، جوسازی کلیشه‌ای سیاسی است و نه تحلیل و نقد علمی-حقوقی.

✎ **پس شما هم از طریق شبکه‌های مجازی**

متوجه شدید که در این فهرست هستید؟

بله، البته شنیده بودم که در حال بررسی وکلا برای معرفی هستند ولی کسی [هنوز نیز] چیزی به ما ابلاغ نکرده است. اصلا این‌طور نبوده که به وکلای مورد نظر ابلاغ کنند که شما در این فهرست قرار گرفته‌اید.

✎ **خوبی از حقوق‌دان‌ها بر این باورند که تبصره ماده ۴۸ با نص صریح اصل ۳۵ قانون اساسی در تعارض است، شما این‌طور فکر نمی‌کنید؟**

ما در مطابقه بین قانون عادی و قانون اساسی دو نوع بررسی داریم. یکی بررسی علمی و حقوقی است. نگاه دیگر بحث عوارض و آثار اجتماعی و قضائی و نتایج برداشت از اصول قانون اساسی است. به‌نظر می‌رسد در هر دو مورد بعضی از همکاران وکیل و دوستان اهل فن تحت تأثیر جو پُرحجم و سنگین حمله به قوه قضائیه قرار گرفته‌اند. دلایش هم روشن و واضح است؛ تبصره ذیل ماده ۴۸ به متهم حق انتخاب داده است که جهت دفاع از خود، در مرحله تحقیقات اولیه، از بین وکلای محترم دادگستری که صلاحیت و توانایی آنها مورد تایید ریاست قوه قضائیه است، وکیلی انتخاب و معرفی کند. همان‌طور که در برخی از جرائم درجه یک جنایی مانند جرائمی که مجازات آن سلب حیات است، متهم نمی‌تواند هر وکیلی را انتخاب کند، او فقط می‌تواند از بین وکلای یا یک دادگستری، وکیل انتخاب و به مرجع قضائی معرفی کند. این به معنی سلب اختیار قانونی متهم در انتخاب وکیل نیست و مغایرتی هم نمی‌تواند با قانون اساسی داشته باشد؛ چراکه مواد قانون اساسی با تأویل و تفسیر و وضع قوانین عادی به اجرا درمی‌آید و مقام قضائی مغایرت یا عدم مغایرت قوانین موضوعه با قانون اساسی شورای نگهبان است. البته این به معنی مانعیت و انسداد نقد علمی و حقوقی قوانین وضع‌شده نیست. ولی آیا کسی از قوه قضائیه جز اجرای قانون انتظار دارد؟

✎ **درجه‌بندی وکیل‌ها فرایند بوروکراتیک قضائی پی‌روزی می‌کند اما فهرست بر اساس نظر رئیس قوه قضائیه...**

به عرض بنده عنایت بفرمایید. در واقع عرض این است که باید به موضوع تبصره یادشده از منظر رتبه‌بندی تخصصی وکلا برای تصدی پرونده‌های قضائی، بر اساس سوابق علمی و عملی و توانایی او در دفاع قانونی مؤثر نگاه کرد. در نظام قضائی اکثر کشورها این درجه‌بندی وجود دارد؛ مثلا در سیستم وکالت قضائی فرانسه ۲۶ عنوان تخصصی با زیرگروه‌ها تعریف شده است. حال چه مانعی دارد که تشخیص این توانایی‌و صلاحیت به مدیریت قوه قضائیه که فایل سوابق کاری وکلا را دارد و البته با همکاری و جلب نظر سایر نهادهای ذی‌ربط محول شود؟ یا با وضع یک ماده یا اصلاح تبصره به کمیسیون مشکل از نهادهای ذی‌ربط ارجاع شود؟ البته باید قبول کنیم متأسفانه بعضی از اظهارنظرهای سیاسی و جهت‌گیری‌های غیرقضائی در پدیده‌های اجتماعی و سیاسی داخلی و خارجی از سوی مدیران ارشد قضائی،

سیاست

بررسی تبصره ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری در گفت‌وگو با حسن تردست

امکان یا امتناع دفاع عادلانه از متهمان سیاسی



حسن تردست، آیین دادرسی

صحت این ادعا بررسی میدانی کنید. اگر جمهوری اسلامی یا دستگاه قضائی این قصد را داشت که در دادرسی متهمان سیاسی و امنیتی فعال مایشاء باشد و وکلای معرفی‌شده ابزار دست‌بسته اینان باشند و به این ترتیب حقوق متهمان را ضایع کنند، نباید این افراد را تعیین و معرفی می‌کردند؛ کم‌اینکه بعضی از این وکلا همین تبصره قانونی را نقد کرده و معتقد به اصلاح آن بوده و از فهرست اعلامی انصراف کرده‌اند و البته اضافه کنم تعدادی نیز از این فهرست، افراد خوش‌نام نبودند و انتخاب آنان بدسلیقگی بود.

خواهش می‌کنم به این نکته نظر بفرمایید. حقیر در طول ۳۱ سال خدمت قضائی و اخیرا هفت سال وکالت، هیچ‌گاه به چیزی جز قانون و حقوق مردم و اجرای عدالت فکر نکرده و هیچ توصیه‌ای را نپذیرفتم. بارها در سخنرانی‌ها و جلسات رسمی و غیررسمی بر این نکته تاکید کرده‌ام که قاضی، تنها منصب‌داری از اجزا و مناصب جمهوری اسلامی است که طبق موازین شرع و قانون در دادرسی و ابراز نظر و صدور حکم استقلال بلاقید دارد. به‌جز قید قانون. حتی قاضی در مسند خود تابع ولی معظم فقیه، به‌عنوان عالی‌ترین مقام مسئول قانون اساسی هم نیست و نمی‌تواند باشد. و الا تصمیمات متخذه و احکام فرمایشی هرقاضی غیرمستقل، حکم به باطل است که علاوه بر آنکه مستوجب آتش جهنم است، متعدی به قسم و شرافت وجدان انسانی خود و متجاوز به ساحت عدالت و حرمت و تقدس حریم حقوق انسان‌هاست.

✎ **آقای تردست، ما هم با توجه به تحقیقاتی که انجام دادیم به امید اینکه بتوانیم با شما بحث علمی و مفیدی داشته باشیم، به سراغتان آمدیم. سؤال اینجاست که گرچه اکنون نه، اما این‌ روش انتخاب وکلای مورد تایید آیا در آینده امکان برخورد سلیقه‌ای را باز نمی‌کند؟**

عرض کردم این تبصره همان‌گونه که بعضی از همکاران و مقامات رسمی فرموده‌اند، نیازمند اصلاح فنی و حقوقی و حتی انشایی ازسوی خبرگان قضا و وکالت و استادان حقوق است. ولی هیاهوی خصمانه‌ای که در رسانه‌ها و فضای وب‌روییگر و لابیایی شبکه‌های مجازی به راه افتاده، فقط شائناژ و با مطامع سیاسی برای تخریب نظام سیاسی در اذهان عمومی و سلب اعتماد عمومی به قوه قضائیه است؛ خاصه که این روزهای خطر کشور که به‌طور مکرر نقشه‌های براندازی را ترندهای چندگانه باهدف بدبینی مردم به نظام در بوق‌ها دمیده می‌شود، باید در اظهارنظرها با حفظ حق و اظهارنظر، دقت فوق‌العاده‌ای کنیم که ناخواسته با نقشه معاندان و با اهداف سیاسی آنها همراهی نکنیم. توجه کنید قانونی در نهادهای کشور وضع شده است –حتی اگر قابل نقد جدی باشد- تشریفات و مراحل قانونی را طبق مقررات طی کرده است. حال چگونه مدعیان حفظ حقوق عمومی و قانون‌مدار به آن بی‌اعتنا هستند و متهمان را که در هزارتوی سیر تحقیقات و دادرسی درند و اسارت به‌سر می‌برند، تنها می‌گذارند؟ اگر از چالش قانونی با مجریان قانون در دفاع از حقوق متهمان، خود را ناتوان می‌بینند دلیل ندارد بهانه ساز کنند و از قانون تخطی کنند؛ چه بهتر که محترمانه اعلام انصراف کنند.

باید عرض کنم با شناختی که از ساختار شکلی و ماهوی و شاکله قضائی دارم، معتقدم افرادی که در هزارتوی سیر تحقیقات و دادرسی درند و اسارت به‌سر می‌برند، تنها می‌گذارند؟ اگر از چالش قانونی با مجریان قانون در دفاع از حقوق متهمان، خود را ناتوان می‌بینند دلیل ندارد بهانه ساز کنند و از قانون تخطی کنند؛ چه بهتر که محترمانه اعلام انصراف کنند.

باید عرض کنم با شناختی که از ساختار شکلی و ماهوی و شاکله قضائی دارم، معتقدم افرادی که در هزارتوی سیر تحقیقات و دادرسی درند و اسارت به‌سر می‌برند، تنها می‌گذارند؟ اگر از چالش قانونی با مجریان قانون در دفاع از حقوق متهمان، خود را ناتوان می‌بینند دلیل ندارد بهانه ساز کنند و از قانون تخطی کنند؛ چه بهتر که محترمانه اعلام انصراف کنند.

✎ **برای چه؟**

به دلایل مختلف، یکی می‌تواند نداشتن تسلط و تجربه باشد. خصوصا در پرونده‌های کیفری رسانه‌ای‌شده که شم و شجاعت لازم‌تر است تا سواد، هرچند سواد قضائی و تسلط بر قوانین لازم است. ولی شَم کشف حقیقت و شجاعت در ایستادگی مقابل قدرت و جوسازی‌ها، امری ذاتی و استعدادی و فطری است. برخی دارند و به تجربه تقویت می‌شود بعضی‌ها اینها را ندارند و با صد سال تجربه هم تقویت نخواهد شد. و چه بسا متأسفانه وکلایی برای چهره‌نمایی و به‌دست‌آوردن شهرت را انگیزه زمینه‌سازی برای خروج از کشور و پناهندگی یا ضعف نفس، منافع و حقوق موکل خود را قربانی می‌کنند!

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه اول

صداقت و صراحت علمی و تعهد اجتماعی مرحوم استاد قاضی‌راد

او از جمله نمونه‌های معدود پژوهشگران علوم اجتماعی، متعهد به جامعه، فرهنگ و منافع ملی بود که واقعا دغدغه توسعه کشور را داشت و در بیان آنچه درست می‌دانست، جانب احتیاط را رعایت نمی‌کرد و البته این ناشی از اعتمادبه‌نفس علمی و حرفه‌ای ایشان بود. ورود صریح و به‌موقع قاضی‌راد در مقاطع زمانی خاص سیاسی و اعلام مواضع شخصی یا رسمی ایشان (به عنوان رئیس انجمن جامعه‌شناسی ایران) در برهه‌های مهم سیاسی مانند انتخابات، نشان از تعهد و پابندی فوق‌العاده ایشان به مسائل جاری کشور و عطف توجه‌شان به نگرانی‌های عمومی بود. همین‌طور اعلام نظرات صریح و شفاف دربارہ پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی حساس که کمتر مورد عنایت سایر همکاران قرار می‌گرفت، نیز از ویژگی‌های این شخصیت گرامی و ارجمند بود. امید آنکه این ویژگی‌های شخصی و روحیه علمی این استاد پژوهشگر توسط محققان جوان مورد توجه قرار گرفته و این خلایق در کنار آثار علمی و تحقیقاتی‌شان رهنوشه توسعه دانش اجتماعی قرار گیرد.

جای و جایگاه تجمعات

تجربه چهار دهه گذشته نیز گواهی است که هر کجا آزادی نقادی و بیان را دست‌کم گرفته‌ایم، تالی فاسدی رخ داده است.

۶. در نگاه توحیدی ترس هزارد شرک است و سکوت ناشی از ترس شرک عملی است. جامعه ترسان از نقد فرصت امری‌معروف و نهی‌ازمکرر نداشته و به تعبیر علوی، اخبار را گریزان از اعمال حاکمیت و اشار را مستولی مقدرات می‌کند.

۷. با این وصف، فلسفه اصل ۲۷ برمدار اصل سه و شش و ۵۶ قانون اساسی به عنوان اصول طلایی، در نقطه مقابل نامحرم‌انگاری، بی‌اعتمادی و غریبه‌اندازی مردم و در نتیجه سکت‌کردن صداهای غیرمنقاد منتقد است. قوه مؤسس انقلاب اسلامی هیچ‌گاه مردم را مطیع محض و منقاد نمی‌خواست و این وصف در بیانات امام راحل و بزرگان انقلاب، ازجمله شهیدان بهشتی و مطهری و مرحوم طالقانی

و نیز مقام معظم رهبری، مشهود و مدلل است. ۸. البته باید رژیم حقوقی ایران را در یک واقعیت مستقر و مسترد در آن دید؛ ایران سونیس نیست. البته شایسته بهترین‌بودن است، اما با نگاه واقع‌نگرانه، اینکه حق نقد و اعتراض را با همه لوازم آن طبق قانون اساسی بپذیریم و آن را با انگ ضدامنیت و اخلاکار گل شهروند به نستجیم، وظیفه‌ای قانونی است نه یک منت مبتلابه اضافه حقوق شهروندی؛ اگر تابه‌حال انجام نمی‌شده جای نقد و گلابه باقی است. ۹. با این وصف، شناسایی عملی این حق یعنی یک قدم رو به جلو برداشته‌ایم؛ یعنی قرار است رویکردهایی را اصلاح کنیم و بهبود بخشیم. البته تحقق اصل ۲۷ نظیر سایر مصادیق حقوق ملت مستلزم تمهیدات و برنامهریزی است. تصمیمات اخیر در این زمینه، درهنگام اما درخور ستایش است. نباید خوبی‌های طرح را نادیده گرفت، ولی این به‌معنای دست‌کم گرفتن استحقاق شهروندان نیست.

۱۰. حق اعتراض مدنی استانداردهایی دارد. مهم‌ترین اینکه مردم حق دارند شنیده شوند، هرچند مخالف باشند؛ اینکه مردم برروند در یک گوشه شهر دور از چشم همه بنشینند هرچه می‌خواهند فریاد کنند این اشتباه است. اثربخشی اعتراض و شنیده‌شدن قواعدی دارد. باید تحمل حکمرانی در شنیدن مخالفت و انتقاد بالا رود؛ همان چیزی که انقلاب اسلامی می‌خواست و جمهوری اسلامی در دهه چهارم و چشم‌انداز آینده خود برای توسعه و اصلاح بیان معتمد است و امید که در مسیر استیفای این حق کوشا باشیم و توسعه را در عین کثرت‌ها و تفاوت‌ها مغتنم بشماریم و برای وطن و بهترشدن روند‌ها و رویه‌ها تحمل نقادی و اعتراض را پیدا کنیم.

پیروزی فوتبال و هیجانات زودگذر

زمانی در گذشته‌های دور، مثلا جنگ گلابیاتورها ارزش داشت و امروزه فوتبال ارزش و منزلت شگفت‌انگیزی یافته است که ناشی از وجود هیجانات اجتماعی در ورای این پدیده‌هاست. همان‌گونه که نبرد خونین گلابیاتورها در شرایط کنونی برای ما پوچ و بلکه مایه تعجب و حیرت است، چه‌بسا فوتبال نیز در شرایط دیگر و در آینده بی‌معنا شود و بشر پدیده خلاقانه جدید و البته با همان کارکرد را برای رسیدن به هیجان‌های فراطبیعی ابداع کند. هیجانات ناشی از این محرک‌ها، بیگانه با واقعیات هستنی است و موجب ازخودبیگانگی انسان می‌شود. انسان‌ها و غالبا از خلاقیت خود برای رسیدن به هیجان و لذت فراطبیعی در زندگی استفاده می‌کنند و فقط گروه اندکی از مردم به دلیل شناخت از حقایق جهان آفرینش از هیجان‌زدگی و لذت‌طلبی پرهیز می‌کنند. به همین دلیل سرنوشت بشر را عموما هیجانات فراطبیعی و لذت‌طلبی‌ها رقم می‌زنند. با این دلایل با حداقل این توجیه نمی‌توانم با احساس سایر همشهریان مشترک باشم، چه در غم باخت یا شادی در مواقع بُرد. ولی می‌توانم کاملا درک کنم که اگر ایران ناوانسته در فوتبال، به حوزه جهانی‌شدن کام بگذارد، چرا در شاخص «حکمرانی خوب» این اتفاق رخ ندهد؟ آیا به جای شادی برای تحقق آرمان‌های جهانی بشری، فقط باید به این شادی‌ها دلخوش باشیم؟